



گرگ و مرغ ماهیخوار

تقدیم به کسانی که قولشان و بولشان یکی ست!

گرگی که استخوانی درشت در گلویش گیر کرده بود در دشت میدوید و در پی مخلوقی بود که آن را به در آورد. به مرغی ماهیخوار بر خورد و گفت، «اگه استخونو از حلقم در آری

مزد خوبی بهت می‌دم.»



مرغ قبول کرد. سر را در دهان

گرگ فرو برد و استخوان را بیرون

کشید و پاداشش را طلب کرد. اما

گرگ در پاسخ گفت، «مزد چی؟ برو یه نون بخور صد نون شکر کن که

سرتو کردی تو دهنم و سالم جستی!»

نتیجه اخلاقی:

من ندیدم سلامتی ز خسان / گر تو دیدی سلام من برسان